

# تئوری رزمندگان در مورد ساخت جامعه و ارزیابی از خرده بورژوازی

رزمندگان هم‌مفکند است که خرده بورژوازی نیروی سیاسی در جامعه سرمایه‌داری است که در میان دو قطب سرمایه‌داری و سرمایه‌داری است و هرگونه تحلیل از این سرمایه‌داری می‌تواند ناقص و ناسازگار باشد. چگونه می‌تواند این سرمایه‌داری حرکت خرده بورژوازی را بر اساس وضعیت آن بسازد

فرار دارد، هم‌دیرا بر سروده‌ها و هم‌راه بورژوازی و هم در نهادی با خود بورژوازی فرار دارد. ما این خرده بورژوازی را بطور مشخص در نهاد دو وحدت با بورژوازی بررسی می‌کنیم و این نکته اساسی را پیوسته در نظر داریم که مولود وحدت این خرده بورژوازی و بورژوازی در حفظ سیستم مبنای تحلیل ما است. (رزمندگان شماره ۲ صفحه ۲ تا کنده از ما است.)

ما در مقاله قبل در زمینه پیکار ۶۲ رزمندگان "در مورد ساخت جامعه و چگونگی غلبه و استقرار سرمایه‌داری در ایران را مختصراً مورد بررسی انتقادی قرار دادیم. در اینجا نخست ارزیابی رزمندگان از موقعیت و مواضع خرده بورژوازی در جامعه سرمایه‌داری و وابسته بر مبنای تئوری شبه تروئکیستی آنان تا قبل از قیام را مورد بررسی قرار می‌دهیم و در ادامه آن به برخورد آنان به وضعیت سیاسی و مواضع نیروهای سیاسی - اجتماعی تحت شرایط حاضر (پس از قیام) می‌پردازیم.

دیدگاه انحرافی "رزمندگان" نسبت به چگونگی استقرار سرمایه‌داری و وابسته در ایران، مکانیسم‌ها، ساخت و نقش وابستگی در آن، دزدتد و خوددود را ارزیابی از روابط طبقات و اقشار مختلف جامعه، ارتباط آنان با ساخت سرمایه‌داری و وابسته و مفیندی انقلاب و ضد انقلاب تعمیق گشته و گرایشات تروئکیستی این رفقا با وضوح بیشتری نمایان میگردد.

(زمینه پیکار ۶۲)  
 دیدیم که "رزمندگان" گرچه از سرمایه‌داری وابسته و "حضور ارگانیک امپریالیسم" صحبت می‌کنند اما اساساً ساخت اقتصادی - اجتماعی ایران را سرمایه‌داری وابسته که سرمایه‌داری مستقل می‌بینند و درکی که از عملکرد سرمایه‌داری امپریالیستی و نتایج این عملکرد در ساخت سرمایه‌داری ایران دارد تا چه حد ناقص و انحرافی است و از اینرو عجیب نیست که ارزیابی اثر از روابط طبقاتی نادرست و لزوم استنتاجات سیاسی از آن نیز انحرافی باشد.

ما در زمینه پیکار ۶۲ ارزیابی رزمندگان از طبقه بورژوازی ایران در ساخت سرمایه‌داری و وابسته مبنی بر وابستگی کل این طبقه به امپریالیسم (با همان مفهومی که رزمندگان از وابستگی دارد) مختصراً برخورد کردیم. در اینجا ارزیابی "رزمندگان" از موقعیت اجتماعی - اقتصادی و نقش آنها در مختلف خرده بورژوازی و از آنجمله سلاب دمکراتیک حاضر مورد بررسی قرار می‌دهیم.

در حقیقت برخورد "رزمندگان" به خرده بورژوازی آئینه تمام‌نمایی از آن انحرافات "چپی" است که قبلاً شده‌ای از آنرا زگو کردیم ولی برای اینکه تنها به قاضی نرفته باشیم، سیستم خود را این رفقا چه می‌گویند:

"رزمندگان" می‌نویسد: "خرده بورژوازی مرفه سنتی بنابه موقعیت اقتصادی، یعنی اینکه از روشی در میزبان خرده - بورژوازی و بورژوازی کوچک قرار دارد و از روشی دیگر اصولاً با سرمایه‌داری وابسته امپریالیسم بورژوازی وابسته در شرایط ایران در نهاد دو وحدت

● عملکرد سرمایه‌داری در کشورهای تحت سلطه و تحت روراقرون آن برای کسب سود فوق‌العاده بسیار است. تشدید تمگری الیگارشی مالی در این کشورها می‌گردد که این امر در ترکیب با گرایش بورژوازی خودی این کشورها باعث ایجاد آنچه در اینجا می‌گردد که کشورهای تحت سلطه (ویژه‌ها یا مستعمرات سرمایه‌داری وابسته) را بدگره‌ها و تفتادهای سیستم جهانی امپریالیستی و یا شده‌اند؟ تئیل آن می‌سازد

به این قطب بررسی می‌کنند و آنکه مدعی است که تحلیل مشخص از شرایط مشخص و ارزیابی دیالکتیکی از آن بدست داده است؟ ما می‌پرسیم وحدت و نهادمان خرده - بورژوازی با سرمایه‌داری وابسته امپریالیسم و بورژوازی وابسته طی چه شرایطی شکل گرفته و در هر دوره مشخص کدام جنبه آن غالب بوده و حال کدام جنبه آن غالب است؟ "رزمندگان" در مورد شرایط با شرح میدهد "در شرایط ایران، اما مگر جامعه ایران و شرایطی که بر آن حاکم است، ایستاد و ساکن می‌باشد؟

بیش از هر چیز بگوئیم که چنین شیوه برخورد و تحلیل مسائل بطور کلی نادرست و آشکارا غیر دیالکتیکی است. چرا که شیوه، تحلیل دیالکتیکی مبتنی بر بررسی همه‌جا نبوده و دیدن ارتباط متقابل پدیده مورد بررسی با سایر پدیده‌ها از یکسو و نیز ارزیابی پدیده در حرکت و پیرویه تکاملی آن است. بدیهی است که تحلیل حرکت جامعه و طبقات نیز نمی‌تواند از این قاعده مستثنی باشد. اگر "رزمندگان" معتقد است که خرده بورژوازی مرفه سنتی در وجودت و نهاد امپریالیسم و بورژوازی وابسته قرار دارد و اگر میخواهند "این خرده بورژوازی را بطور مشخص در نهاد دو وحدت با بورژوازی" بررسی کنند، پس چگونه است که فقط "وحدت این خرده بورژوازی و بورژوازی در حفظ سیستم مبنای تحلیل آنها قرار می‌گیرد؟

دلیل اینکه "رزمندگان" مبنای تحلیل خود از خرده بورژوازی مرفه سنتی را اساساً بر وحدت این خرده بورژوازی با بورژوازی وابسته قرار می‌دهد چیزی جز نتیجه ارزیابی از روابط طبقاتی در ساخت سرمایه‌داری وابسته ایران با دیدگاه و تئوری شیبه تروئکیستی‌اش نیست. چرا که در جامعه سرمایه‌داری ایران که با تکرش رزمندگان با تکامل خود پیوسته دینا می‌مستقل خود در جامعه غلبه یافته و مستقر شده ولی به لحاظ وحدت با سرمایه‌داری جهانی وابسته به نهاد سرمایه‌داری امپریالیستی شده، خرده بورژوازی مرفه سنتی غیرمستفادش با بورژوازی اصولاً دارای وحدت با بورژوازی در حفظ سیستم می‌باشد و جنبه وحدت آن غالب است. در غیر این صورت اگر رزمندگان به تعدادی که می‌گویند و اما اعتقاد دارد و این مسئله را فقط برای اینکه چیزی گفته‌ها شد مطرح نمی‌کند، پس چرا همراه با وحدت، نهادمان خرده - بورژوازی و بورژوازی مبنای تحلیل واقع نمی‌شود؟ و اصولاً نهاد مورد بحث بررسی چیست؟ گذشته از این اگر

تکرار طول زمان و پیرویه مکانی جامعه ما این شرایط دچار دگرگونی شده و نمی‌شود؟ البته "رزمندگان" در مورد برخی از این سئوالات (و تا بدیشتر تا پاسخ - هائی داده است، اما کماکان با سببهای انعطافی، مبهم و دوپهلوی (که بعداً به آنها خواهیم پرداخت)، اما چیزی که در حال حاضر اهمیت به امر است بیشتر دارد مسئله کلیدی برای شناخت دید "رزمندگان" نسبت به خرده بورژوازی است. مبنای تحلیل "رزمندگان" است. بر اساس این مبنا، خرده بورژوازی مرفه سنتی (که البته بعداً در تحلیل رزمندگان تبدیل به خرده - بورژوازی سنتی در کل میشود) و بورژوازی در حفظ سیستم مبنای سرمایه‌داری وابسته امپریالیسم وحدت دارند. اما مضمون این وحدت برای حفظ سیستم چگونه است؟ "رزمندگان" می‌نویسد:

"همه ما بحوسی میدانیم که بورژوازی‌ها خواهان حفظ سیستم سرمایه‌داری وابسته در هر جا خوب روند - های عمومی و مناسبت زمان ما هستند. تنها با این تفاوت که محتوا سند سیستمی از ساز تولید سرمایه‌داری ایران صورت پذیرد و آن غارتگریهای آشکار و پنهان دوره‌ها در کاسه‌ها و در اشکال آبرومندتری! اما ما باید "رزمندگان" شماره ۲ صفحه ۲ تا کنده از ما است.

## پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم



# پیکار

انحصاری وابسته) غالب آمدند و اینک آنها مطلوب  
سود چه با یکدیگر آنها خرید و سدیدند اینک دردی بر  
آنها غرض کردد" (دوا بوسی، مسخبات آتاریک جلدی،  
صفحه ۲۴۶ - لندن، با کید و خطی از ما ست).

اما وضعیت خرده بورژوازی متغیرات است، چیرا  
که حتی خرده بورژوازی مرفه سنی نیز زیر فشارهای  
شدیدی قرار دارد و آتاریک و چیرا چه بخواهد و  
موقعیت طبقاتی خویش بهیچوجه نمی تواند خواهان  
تغییرات اساسی مودنیاز پرولناریا باشد. لیکن در مجموع و بجا  
نمادش با سلطه و ستم امپریالیستی و سرمایه های انحصاری  
و وابسته و فشارهای با دنده دریا لا با دموکراسییم  
شدیدنا پیگیر خود در مبارزه علیه سلطه امپریالیسم  
و سرمایه های انحصاری وابسته بوسی فطب کارانده  
می شود. منتهی از آنجا که با بودی قطعی سلطه و ستم  
امپریالیسم و انحصارات وابسته درجا معما الزامات  
گرونا بودی سلطه سرمایه است خرده بورژوازی مرفه  
سنی بدلیل موقعیت اقتصادی واجتماعی اش که  
شانه به شانه افتار ریاضینی طبقه بورژوازی میاید  
و مدافع سرمایه و مالکیت خصوصی مقدس است، در  
مقابل پیشرفت انقلاب و تغییر بنیادی جامعه قرار  
گرفته و در ضدیت با پرولناریا و متا بله با پیروزی کامل  
انقلاب کاملاً ماده پیوستن به صف ضد انقلاب می باشد  
واقعیتی که بعد از قیام بهمن ماه و نتایج سیاسی پی  
آمد آن بوضوح شاهدان هستیم که در جای خود دیده آن  
خواهیم پرداخت.

منتهی با تئوری رزمندگان در باره ساخت  
سرمایه داری وابسته ایران، خرده بورژوازی مرفه بعد  
از غلبه و استقرار شیوه تولید سرمایه داری در ایران و  
از همان سالهای ۴۱ با بنظر اصولاً جنبه وحدت آن با  
سرمایه داری وابسته امپریالیسم و بورژوازی نسبت  
به متاد آن عمده بوده و از اینرو از همان آغاز قصد  
انقلابی بوده است!؟ البته این را رزمندگان در متن  
تحلیل التقاطی خود بیان می کنند و آشکارا، به خود  
"رزمندگان" مراجعه کنیم:

"خواست عمومی و همیشگی خرده بورژوازی که همان  
رفع تضییقات و انحصارات حاکم بر مناسبات  
کالائی و از بین رفتن اجحافات است که بر حیات  
اقتصادی وی تحمیل میگردد، موجب عنوان شدن  
افراطی ترین شعارهای دموکراتیک گشته و در  
نتیجه وی را تبدیل به دشمن سر سخت فئودالیسم  
میما زد و در عین حال خرده بورژوازی - منتهای  
مخالفه کار و رنجای آن - حکم نیروی انقلابی  
را در مبارزه بر علیه فئودالیسم و استقرار دموکراسی  
بورژوازی میاید و بدین لحاظ است که خرده -  
بورژوازی در انقلاب دموکراتیک نیروی انقلابی  
محسوب میشود."

رزمندگان شماره ۶ صفحه ۸ تاکید از ما ست ( و  
"بهر حال با استقرار کمیت مناسبات سرمایه -  
داری و درهم شکستن ستون فقرات فئودالیسم بر اثر  
رفرم صد انقلابی ۴۲ و رتد وسیع اما منقطع سرمایه  
داری و در عین حال گسترش همه جانبه سرمایه داری  
و مناسبات کالائی یکی از علل اینک خرده بورژوازی  
سخت طبیعی پرولناریا در انقلاب محسوب میشود  
- یعنی مبارزه مشترک بر علیه فئودالیسم - از  
میان رست و با حاکم شدن نظام سرمایه داری

وابسته سختی از آن طرف بورژوازی و سخن دیگر  
به سبب پرولناریا کشیده شد. " (همانجا)  
و بدین ترتیب لانه های مرفه خرده بورژوازی سنی  
دیگر فادموکراسیسم هر چند با یکسرخوا هد بود! منتهی  
"رزمندگان" این را آنکارا بیان نمیکند و بطور التقاطی  
و یکدیگر حملات ارفعیل ".... رتد و توسعه  
انحصارات و افزایش حساب حقوق و امتیازات آنها  
سبب افزایش بار فشار ناشی از رقابت بر کرده خرده  
بورژوازی، در کنار رتد و حضور هر چه بیشتر امپریالیسم  
در عرصه های مختلف حیات اقتصادی واجتماعی ایران

● خرده بورژوازی مرفه سنی نیز (که قبلاً از قیام) زیر فشارهای شدیدی قرار دارد از اینرو هر چه بخواهد  
ما هیت و موقعیت طبقاتی خویش بهیچوجه نمیتواند خواهان تغییرات اساسی مودنیاز پرولناریا  
با شد، لیکن در مجموع و بجا بر تفتادش با سلطه و ستم امپریالیستی و سرمایه های وابسته  
دموکراسییم شدیدا پیگیر خود در مبارزه علیه سلطه امپریالیسم و سرمایه های انحصاری وابسته،  
فطب کارانده میشود

یعنی وابستگی عمیق و همه جانبه ایران و سرسپردگی  
رژیم سیاسی آن در مقابل امپریالیسم و پیهمرفته  
موجبات و انگیزه های مبارزه خرده بورژوازی - حتی بخش  
مرفه آن - را بر علیه نظام حاکم فرا هم میماورد.  
(رزمندگان شماره ۸ صفحه ۱۱۴)

بنابراین وقتی "رزمندگان" معتقد است که  
خرده بورژوازی مرفه سنی خواهان حفظ سیستم  
سرمایه داری وابسته می باشد و آنرا مبنای تحلیل  
خویش فرامی دهد، از یکسو چسبند و حتی را کاملاً امکان  
پذیر میداند و از سوی دیگر عمل کرد سرمایه مالکی و  
سرمایه انحصاری وابسته و فشارها و تعدیاتی را که  
بر سر مردم سنی سید، "رزمندگان" با اینکارا درک نازل  
و انحرافی خویش را از ساختن جامعه نشان میدهد و  
تئوریهای دست و پا شکسته و رنگ و رو رفته ای را عرضه  
میکند که مدتها پیش از این رفقا، دیگر کسانی که  
ساختن جامعه را از دیدگاه تروتسکی بررسی میکردند،  
آنها را ارائه داده بودند، آنهم بسیار رفته و رفته تر  
بدین ترتیب "رزمندگان" از همان ابتدا خشت را کج  
می نهاد و وقتی مبنای تحلیل رفقا چنین ملقسه ای  
با شد، آنگاه دیگر عجیب نخواهد بود که گروه نیمه  
تروتسکیستی مثل "وحدت کمونیستی" آغوش را برای  
اینان باز کند، جالب اینجاست که "رزمندگان" با دید  
التقاطی خود معتقد است "خرده بورژوازی نه در پیسی  
سازش و مدارا با سلطنت نبود و نه در فکر آن بود که  
سرمایه های بزرگ انحصاری را محفوظ بدارد و این  
فشار برخلاف بورژوازی لیبرال که غایت مطلوب خود  
را در سرمایه کلان میدید، با تلخی فراوان طعم فراوان  
فشار و ستم سرمایه های بزرگ و انحصاری را چشیده بودند  
و با دهان کف آلود به ننگها و سرمایه های بزرگ دشنام  
میداد. مخالفت دیرینه روحانیت با ربا و بهیچ  
بانگی... بخوبی نشانگر ضدیت خرده بورژوازی با  
سرمایه بزرگ بود. اعتراضات پیاپی روحانیت پیرو  
خمینی به امپریالیسم و سلطه آن در ایران... حکایت  
از خصلت خرده بورژوازی روحانیت پیرو خمینی  
میشود. اینها و بسیاری سیاستها و خواسته های دیگر  
که دقیقاً با روغلت خرده بورژوازی داشت، بعد از قیام

بهمن ماه سردر سبکهای مختلف ادا شده است  
(رزمندگان شماره ۲ صفحه ۲۴).  
سما ر خوب رفقا اگر سما را سنی معتقدند که  
خرده بورژوازی (و ارحله خرده بورژوازی سنی مرفه  
که سما بندگی آنرا است الله خمینی و سروان اودانسد)  
"با تلخی فراوان طعم ستم سرمایه های بزرگ و  
انحصاری را چشیده بود" و روحانیت پیرو خمینی بنایی  
به امپریالیسم و سلطه آن در ایران اعتراض میکرد، در  
حالیکه بورژوازی لیبرال "غایت مطلوب خود را  
سرمایه کلان میدید" پس چگونه مبنای تحلیل خود را

اصولاً بروحدت میان خرده بورژوازی سنی مرفه و  
بورژوازی (وابسته همان مفهوم مورد نظر خودشان)  
در حفظ سیستم مکتدارید؟ یا اظهار این مطلب نشانه  
این نیست که سما سلطه امپریالیسم و ستمارت بهیچ  
وابستگی را خدا از سیستم و جدا از سرمایه داری ارزیابی  
میکند؟ یا این مطلب به معنی شدید گرفتن نقش  
محوری و تعیین کننده سرمایه مالی امپریالیستی در  
این سیستمی اهمیت بنداشتن عمل کرد سیستم بر  
مبنای نیازها و مقضیات سرمایه مالی که اساس  
وابستگی جامعه را تشکیل میدهد، نیست؟ در این  
صورت چرا ساختن جامعه سرمایه داری وابسته میداند  
و آنریدون التقاط و آشکارا سرمایه داری مستقل  
(کلاسیک یا امپریالیستی هر طور که صلاح بداند) نمی-  
گویند؟ آیا چنین شیوه برخوردی در طرح نقطه نظرها و  
پوشاندن آنها در راه های از آنها متشانه پورتونیم  
نیست؟ بگمان ما که چنین است و ما بر مطلب اظهار شده  
از طرف شما و چگونگی ارائه آنها (که یک به یک نشان  
خواهیم داد) دقیقاً مهرتا شید بر نظر ما میگوید.

رزمندگان برپا به تحلیل خود حرکات خرده بورژوازی  
سنی را پس از احکامیت و استقرار سرمایه داری وابسته  
در ایران چنین توضیح میدهد:  
"علل پائین آمدن شب میارزانی با زار که مهمترین  
سنگر خرده بورژوازی سنی بود را بیشتر توضیح  
دادیم و آن عبارت بود از تحکیم سلطه سرمایه داری  
بر جامعه، گسترش اقتصاد کالائی - هر چند تحت  
سلطه سرمایه های وابسته - و درهم شکستن ستون  
فقرات فئودالیسم در ایران... طبیعی است که  
گسترش اقتصاد کالائی و رونق نسبی اقتصاد در  
سالهای ۵۰ - ۴۵ و بخصوص رتد و توسعه مناسبات  
کالائی بر ممتنی از سلطه ضعیف و نا چیز انحصارات بر  
اقتصاد کالائی در همان سالها، یکی از موجبات  
مهم مبارزه خرده بورژوازی را از بین برد. (رزمندگان  
شماره ۸ صفحه ۱۱۴).  
این رفقا برای اینک محکم کاری کرده باشند  
ادا می دهند:  
"خرده بورژوازی سنی مرفه همراه رتد و توسعه

## پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی



سرما به داری وابسته به توان زانده و مکمل سیستم مناسب آن و وسع گسترش یافت... افزایش دامنه خرده بورژوازی سنتی مرفه که تا حدودی نیز در اثر وجود حالت رونق نسبی اقتصاد سرما به داری وابسته صورت گرفت عمدتاً و تا بدین مطلقاً در رابطه تنگ تنگ با اقتصاد سرما به داری وابسته بود. این واقعیت در کا هتس با رمبرا زاتی خرده بورژوازی سنتی عموماً که دنیا له و جوساسی با زار بود نقش مهمی داشت " (رزمندگان شماره ۸ صفحه ۱۴).

آیا چنین تحلیلی درست است؟  
میدانیم که رشد و توسعه سرما به داری همیشه ورشکستگی خرده تولید کنندگان و فروشندگان جزیره و رانده شدن آنان را به صفوف پرولتاریا به همراه خود دارد و همپای تمرکز تولید سرعت این ورشکستگی افزایش می یابد، آنچنانکه به همراه تکامل سرما به داری ورود آن به مرحله امپریالیسم، تولید کنندگان و فروشندگان خود نقش ناچیزی در حیات اقتصادی جامعه پیدا میکنند و جای آنها را اساساً خرده بورژوازی جدید که در حقیقت مستخدمین انحصارات بزرگ هستند می گیرند. اما وضعیت درجا معیای با ساخت سرما به داری وابسته چگونه است؟ در چنین جوامعی و در آن شاخه های از اقتصاد که بویژه سرما به مالی امپریالیستی سرمایه انحصاری وابسته وارد میشود و با بطا طر سود کلان کالا های مشابه خارجی بطور لجام گسیخته ای وارد میگردد، ورشکستگی خرده تولید کنندگان بمراتب سریعتر از دوران رشد سرما به داری کلاسیک و با جوامع امپریالیستی خواهد بود، چرا که اوضاعه بر فشار رهسای اقتصادی ناشی از عدم امکان رقابت برای خسرده تولید کنندگان و در هم شکستن آنان زیر فشار این رقابت های شدید، جبر غیر اقتصادی، سلطه انحصار و اعمال دیکتاتوری عربان که از سوی دولت وابسته به امپریالیسم، بعنوان مدافع منافع سرمایه مالی امپریالیستی و سرما به انحصاری وابسته در جهت حفظ منافع این سرما به ها و تأمین شرایط لازم برای کسب سود فوق انحصاری توسط آنان بشدت اعمال میگردد، سرعت و شدت این ورشکستگی بمراتب می افزایشد. این مسئله در مورد فروشندگان خریدار مادی است زیرا گسترش فروشگاهها بزرگ زنجیره ای، ایجاد بخشهای فروش و توزیع وسیع زیر کنترل و سرمایه های مالی امپریالیستی و انحصاری وابسته... و فروشندگان خریدار بیش از پیش تحت فشار قرار داده و بخش وسیعی را (بویژه لایه های پایینی آنها) به ورشکستگی می کشاند. اما علیرغم غلبه و توسعه مناسبات کالائی سرمای به داری درجا معی و با وجود اینکه بخشهای زیادی از خرده تولید کنندگان و فروشندگان جزء بمرعت و شدت بی نظیری ورشکست میگرددند، بدلیل خاصیت سرمای به مالی امپریالیستی و مقتضیات و نیازهای آن بسر چگونگی حرکت و با ز تولید کل سرمای به اجتماعی تولید ارزش اضافی با زهم زمینه های وسیعی برای تولید خرده کالائی تحت استثمار شدید و تبعیت موری کاران سرمای به مالی و انحصاری وابسته با جان سختی باقی میمانند بدون اینکه جای آنها تولید کالائی سرمای به داری بطور همه جانبه جایگزین گردد که این امر چیزی جز نتیجه عملکرد و گرایش سرمای به مالی امپریالیستی برای کسب سود فوق انحصاری نیست. اما این بخشها نیز که از اقتصاد بحران زای سرمای به داری وابسته در واقعیت امر در لبه پرتگاه ورشکستگی قرار دارند با هر بحران اقتصادی در کشورهای امپریالیستی و انتقال این بحرانها به جوامع وابسته و تشدید

ساختات سیستم سرما به داری وابسته بطور قابل توجهی دچار ورشکستگی شده و نا بود میشوند. بدین ترتیب آیا میتوان گفت که همراه رشد سرما به داری وابسته خرده بورژوازی سنتی نیز عموماً بصورت زانده و مکمل سرمای به داری وابسته رند می یابد و گسترده میشود؟ آیا می توان مدعی بود که "افزایش دامنه خرده بورژوازی سنتی" عمدتاً و تا بدین مطلقاً در رابطه تنگ با اقتصاد سرمای به داری وابسته بود؟ بیگمان مانه، چرا که حتی در جوامع سرمای به داری کلاسیک و امپریالیستی نیز چنین نبوده است و با تنگای گذرا به واقعیت های اقتصادی و اجتماعی جامعه و حتی آمارهای رژیم گذشته بر این میتوان دید که درجا معی ما نیز چنین نیست. واقعیت های عینی و این آمارها بوضوح سرعت

ورشکستگی و تلاش خرده بورژوازی سنتی را برای ادامه حیات نشان میدهد. "رزمندگان" نیز بر فشار واقعیتها ناچار میشوند که به بخشی از مسئله اعتراف کنند "رزمندگان" مینویسد:

"تا غز دوره رکود همراه با تورم نظام سرمای به داری وابسته از سال ۵۰ و تشدید این بحران بر اساس انتقال تورم جهانی و گسترش ابعاد بحران عمومی امپریالیسم موجب بروز نا رضایتی در میان خرده بورژوازی سنتی گردید. رشد و توسعه انحصارات سرمای به داری وابسته... و فشار روز افزون آنها بر خرده بورژوازی سنتی از طریق رقابت و نتیجه کساد ی کسب و کار، کا هتس در آمدوپا شین آمدن نرخ رشد اقتصادی خرده بورژوازی سنتی اعتراضات و مبارزات این گروه را که چند صبا حی دچار افول شده بود، مجدداً شعله و ساخت " (رزمندگان شماره ۸ صفحه ۱۳ تا کید از زمانت...)

بدین ترتیب و با توجه به نقل قول فوق کوشی که استقرار سرمای به داری وابسته به خاطر توسعه بیش از پیش حیطه عملکرد سرمای به های امپریالیستی برای کسب سود فوق انحصاری (که لزوماً موجب تشدید تضادهای طبقاتی است) و سهولت انتقال بحرانهای جوامع امپریالیستی به کشورهای تحت سلطه نبوده و تناقضات و بحران اقتصادی در نظام جهانی امپریالیستی فقط در شکل ادواری و حاد آن به کشورهای تحت سلطه منتقل میشود و این بحرانها مداوماً انتقال نمی یافته اند که انحصارات از زمان ابتدای این جامعه چنگ نیانداخته بودند و استقرار و عملکرد ساخت سرمای به داری وابسته بخاطر منافع و نیازهای آنان نبوده است و فشار روز افزون آنها از جمله بر خرده بورژوازی سنتی فقط در مواقع بحرانی است این امر بیان این واقعیت است که در این ساخت خرده بورژوازی سنتی بنا به موقعیت اجتماعی - اقتصادی و علیرغم گرایش قوی اقبال متوسط به بالای آن به سرمای به ها با سازای تضاد بسیار سلطه و ستام امپریالیستی و سرمای به های انحصاری وابسته بوده و در میان رزده امپریالیستی - ضد سرمای به داری وابسته بطور نا پیگیر شرکت میکند. و متنا سب با رشد تضادهای اجتماعی و افزایش فشارهای اقتصادی - اجتماعی و تشدید تناقضات و توسعه بحران که لزوماً با افزایش بیش از پیش سرکوب سیاسی و ستام بوروکراتیک

سرمای به داری وابسته به توان زانده و مکمل سیستم مناسب آن و وسع گسترش یافت... افزایش دامنه خرده بورژوازی سنتی مرفه که تا حدودی نیز در اثر وجود حالت رونق نسبی اقتصاد سرما به داری وابسته صورت گرفت عمدتاً و تا بدین مطلقاً در رابطه تنگ تنگ با اقتصاد سرما به داری وابسته بود. این واقعیت در کا هتس با رمبرا زاتی خرده بورژوازی سنتی عموماً که دنیا له و جوساسی با زار بود نقش مهمی داشت " (رزمندگان شماره ۸ صفحه ۱۴).

## تئوری رزمندگان در ارزیابی از خرده بورژوازی مدرن:

رزمندگان علیرغم برخوردش به خرده بورژوازی

● برای تئوری رزمندگان در رابطه ساخت سرمای به داری وابسته بیان، خرده بورژوازی مرفه سنتی، پیدا زغلبه و استقرار شیوه تولید سرمای به داری در ایران و زهان سالهای ۴۱ به این طرفه ملا جنبه وحدت آن با سرمای به داری وابسته به امپریالیسم بورژوازی نسبت به تفاوت آن عمده بوده است.

سنتی، در مورد خرده بورژوازی مدرن بدون تکیه بر تما یز لایه های مختلف آن آنها را به خرده بورژوازی سنتی فقیر نزدیک کرده و ضدیت ایندو را با سرمای به داری بکسان و به پرولتاریا نزدیک می بیند.

"رزمندگان" مینویسد:

"... دوران خوش آمیزش سیاسی خرده بورژوازی مدرن - که خواسته های آن از لحاظ ضدیت با سرمای به داری به بخش تهی دست خرده بورژوازی سنتی نزدیک بود، با بخش مرفه خرده بورژوازی سنتی - که هر آن دورنمای سرمای به داری را در پیش چشم داشت - نمیتوانست دوام چندانی بیابد... " (رزمندگان شماره ۸ صفحه ۱۴)

و چنین استدلال میکنند که:

"تزدیکی خواسته های بخش تهی دست خرده بورژوازی سنتی به خواسته های خرده بورژوازی مدرن بدان سبب است که اولاً خرده بورژوازی سنتی فقیر به خاطر چها خوب فقیر و دستا به اندک خود به پیرو - لتا را نزدیک بوده و طعم تلخ فشار سرمای به داری به طرق مختلف می چند، ثانیاً خرده بورژوازی مدرن نیز بدلیل نداشتن علقه مادی در تولید و توزیع کالا و بطور کلی نداشتن چشم انداز سرمای به داری نزدیکی و پیوند مستقیمی با مناسبات سرمای به داری ندارد و این هر دو گروه بر این حیث میتواند تند در کنار یکدیگر و تحت شعاری بر علیه نظام سرمای به داری وابسته گرد هم آیند " (رزمندگان شماره ۸ صفحه ۱۴).

اینجا است که گرایش تروتسکیستی با گرایش رولیز - یونیستی خر و خچی بیگدیگر نزدیک شده و در رزمندگان بهم میسوزند. "رزمندگان" که خود در نوشته - ای، بدرستی به گرایش راست حمله کرده و میگوید که نمیتوان خرده بورژوازی مدرن را "پرولتاریای فکری" نامید و چنین کاری را ترند هواران رولیز - یونیسم خر و خچی و وسیله ای برای توجیه "راه رشد غیر سرمای به داری" میدانند، خود بطریق دیگری به این دام می افتد.

ما از این رفقا می پرسیم آیا دولت متمرکز و ماشین دولتی عظیم و بوروکراسی گسترده از مخرمات نظام سرمای به داری وابسته نیست؟ آیا بخش عمده ای از خرده بورژوازی جدید را کارمندان دولت تشکیل میدهد که هر روز هم تعدادشان بیشتر میشود؟ گرا بطور است

# پیکار

پس چگونه میتوان گفت که خرده بورژوازی مدرن پیوند مستقیمی با مناسبات سرمایه داری ندارد؟ آیا رشد سرطانی بوروکراسی که خاص نظام سرمایه داری نیست به معنی گسترش هرچه بیشتر خرده بورژوازی جدید نیست؟ اما قهرا این افزایش تعداد تکنیسین ها، فوریونها سرکارگران، صاحبان، فروشندگان، فروشندگان همسای بزرگ و... محمول سرمایه داری امپریالیستی و بالطبع سرمایه داری وابسته نیستند؟ آیا افزایش تعداد اینان یکی از دلایل انگلی بودن سرمایه داری انحصاری نیست؟ یا گسترش آنها هم پیوند مستقیمی با سرمایه داری ورشاندن درجا ممانند دارد؟ شما که معتقدید:

"این بخش جدید خرده بورژوازی از لحاظ طبقه بندی با سایر بخشهای خرده بورژوازی تفاوت مهمی دارد که همان نشان دادن مالکیت نسبت به وسایل تولید و توزیع می باشد یعنی آنکه این بخش جدید خرده بورژوازی را بنا بر مقوله مالکیت یا بمبارتسی رابطه تولید مالکیت نمیتوان طبقه بندی نمود و آنرا فقط بنا بر زمان اجتماعی کار و توزیع ثروت میتوان طبقه بندی کرد" (رزمندگان شماره ۳ صفحه ۱۰۵).

پروچراده تحلیل سیاسی فقط از منظر ازیاب منعی را استفاده میکنند؟ مگر نه این است که از جمله معیاری سبب طبقات و اقشار از یکدیگر میزان سهمی است که هر کدام از آنها از ثروت اجتماع را در اختیار میگیرند؟ پس چگونه میتوان مثلا خرده بورژوازی مرفه جدیدی را که از کانال دریا فت حقوق کلان سهم بر مراتب بیشتری از پرولتاریا و خرده بورژوازی شهری دست از ثروت اجتماعی می برد، از لحاظ خواستهای فدرسرایه - سازی (یعنی روابط و نظامی که این میزان از ثروت اجتماعی فقط به لحاظ وجود چنین روابطی برایش تا مین می شود) نزدیک به آنان از رزبا بی کرد؟ بنظر "رزمندگان" فقط "نشان علقه ما دی در تولید و توزیع کالا" معادل فدرسرایه داری بودن و نزدیک بودن به پرولتاریا است و گویا علاقه سرمایه داران به تولید و توزیع کالا فقط برای آن نیست که این تولید و توزیع محصولات برای آنان امکانات دریا فت سهم بیشتری از ثروت اجتماعی را فراهم میآورد، چرا که اگر بنظر رزمندگان "بنا چنین استدلالی و بسا یک چرخش قلم همه خرده بورژوازی مدرن را "فدرسرایه داری" نمیگرد، در عین حال این رفتار رفتن بسوی بورژوازی و در واقع بورژواشدن را معادل سرمایه دار شدن میگیرند و معتقدند که چون خرده بورژوازی مدرن چشم انداز سرمایه داری را نشان نمیدهد نمیتوانند سرمایه داری بورژوازی برود، پیوند مستقیمی با سرمایه داری ندارد و نزدیک به پرولتاریا است، آنهم همه لایه های با ایداز این رفتار پسید که آیا طبقه بورژوازی فقط از سرمایه داران تشکیل شده است؟ یا نمیتوان بورژوا شددیون اینک سرمایه داری بود؟ مطلب فوق نشان می دهد که انتقاد "رزمندگان" از روی بیونیستیهای خروشنجی برای خود این رفتار هم روشن نشده و از اینرو انتقاد سطحی بوده است. اما نتیجه ای که میتوان از تشریح مشتمل "رزمندگان" مبنی بر نزدیکی کل خسرده - بورژوازی مدرن با پرولتاریا از لحاظ فدرسرایه داری بودن اگر گرفت (که البته نتیجه اجتنابنا پذیر تحلیل این رفتار است) و آنرا به پرولتاریا توصیه نمود این است که:

پیش بسوی سوسیالیسم همراه خرده بورژوازی متحد است و خرده بورژوازی مدرن (که البته شامل خرده بورژوازی

متوسط و مرفه مدرن نیز میشود) البته ناگفته نماند که چنین شعاری دیگر هیچ ربطی به ما رگسیندا رد و فکر میکنم که چنین "سوسیالیسمی" را فقط "رزمندگان" میتوانند برپا دارد.

به اصل مطلب بازگردیم، تاکنون عمدتاً در باره رفتارهای خرده بورژوازی مرفه سنتی از سوی سرمایه و بیوز سرمایه مالی امپریالیستی و سرمایه انحصاری وابسته متحمل میشده متذکر شدیم (که این رفتارها در مورد خرده بورژوازی مدرن نیز کم و بیش صادق است) و بدین طریق نشان دادیم که سرمایه داری وابسته روئین نمودیم. در اینجا ضروری است که جنبه دیگری واقعیت خرده بورژوازی یعنی تضاد آن با کار را نیز روشن

ما زیر و حرکت خرده بورژوازی را به اعتبار ما هیت دو - گانه اش در مبارزه علیه سلطه امپریالیستی و سرمایه - ها کا نحاری وابسته مورد توجه قرار دهیم:

میدانیم که خرده بورژوازی به علت ما هیت طبقاتی خویش همواره میان دو قطب کار و سرمایه در نوسان و با هر دو در تضاد است. همین نوسان میان دو قطب در زندگی و عملکرد سیاسی خرده بورژوازی نیز تا شیبر گذاشته و این نیرو را (بویژه اقشار مرفه آنرا) متزلزل سازشکار و پیوسته آماده گریز از این اردوگاه بسه آن اردوگاه هنگامه میدارد.

"نوسانی با گذشت زمان همراه با طبقه ای که نشان دهنده آسوداشت (خرده بورژوازی) تفییر چه سره داد. خلعت ویژه حزب سوسیال دموکرات به آن است که این حزب تا سیمات دموکراتیک جمهوری را بسرای برانداختن هر دو افراط یعنی سرانداختن سرمایه و کار مزدوری مطالبه نمی کنند، بلکه برای آن مطالبه میکنند که تضاد میان آنها را تخفیف دهد و این تضاد را به هم هنگی بدل سازد، هر قدر هم که برای نیل به این هدف اقدامات گوناگون پیشنها شود و هر اندازه که برای پوشش این هدف پندارهای کمتر یا بیشتر - انقلابی بکار رود، محتوای آن همان که بود میماند: تجدید بنای جامعه از طریق دمکراتیک ولی تجدید بنای در چها رچوب خرده بورژوازی، فقط نباید به این پندار کوتاه بینانه دچار شد که گویا خرده بورژوازی برپا یسه اصولی برای پیشبرد مقاصد طبقاتی خودخواها نه خود میکند، برعکس او معتقد است که شرایط خاصی را می اش در عین حال همان شرایط عامی است که نتایج جامعه معروضات با از مبارزه طبقاتی فقط در چها رچوب آن میسر خواهد بود... ولی دموکرات آنجا کسه بسا نگر خرده بورژوازی یعنی بسا نگر طبقه سیتی است که در آن منافع دو طبقه بر زندگی خود را اذ دست میدهد، می پندارد که اصولا ما فوق تناقضات طبقاتی قرار دارد، دموکراتها بر آنند که علیه آنها طبقه منسبازی قرار داد دولتی آنها به اتفاق مجموع قشرهای دیگر ملت - مردم را تشکیل میدهند و آنچه که دفاع از آن مشغولند حق مردم است، آنچه که در آن دینفعد منافع مردم است، به این جهت لزومی نمی بینند که در آستان مبارزه ای که در پیش است به بررسی منافع و امواض طبقات مختلف بپردازند. لزومی نمی بینند که در

سجش و ما ثل خود حیلی دند بکار برسد. کا قسمت که علامتی بدهند تا مردم با نما موسایل بی پایان خود به دستگران هجوم برسد. ولی اگر معلوم شود که به منافع آنها علاقه ای نیست و توانا شی آنها تا توانی آنهاست آنوقت گناه آن یا بگردن سفته گران خبیثی است که مردم یکپارچه را به انواع اردوهای متخام منقسم میکنند، یا ارتش چنان سیمیت پیدا کرده بود و چنان جلوی چشم تا ریک شده بود که نمیتوانست خیر خود را در هدفهای پاک دموکراسی شخصی دهد، یا همه چیز بخاطر جزئیات اجرای کار عقیم مانده و اینک یک تعداد پیش بینی شده، این بار تا مرادی بسا ر آورد بهر تقدیر دموکرات بهمان انداز که هنگام ورود سه

● بنظر رزمندگان، فقط "نشان علقه ما دی در تولید و توزیع کالا" معادل فدرسرایه داری بودن و نزدیک بودن به پرولتاریا است و گویا علاقه سرمایه داران به تولید و توزیع کالا فقط برای آن نیست که این تولید و توزیع محصولات برای آنان امکانات دریا فت سهم بیشتری از ثروت اجتماعی را فراهم میآورد.

مبارزه معصوم بوده است از تنگن ترین شکست ها هم بهمان اندازه پاک و بی لکه بیرون می آید و آنهم بسا این اعتقاد جدید که بسا بدیروز شود و این او حزب او نیست که بسا بدیروز سابق خود عدول کند، بلکه برعکس اوضاع و احوال بسا بدیروز بسا بدیروزه سطح او برسد" (هجوم بر پرولتاریا بسا پارت صفحت ۵۱، ۵۲، ۵۳ - ما رگس تا کیدها از ما رگس است).

ولسین ادا به میدهد: "و اما از نسیال استشما رگران سرمایه دار رسوده وسیع خرده بورژوازی کشیده میشود، که تحریه تا ریخی دهها ساله تمام کشورها در باره وی نشان میدهند که چگونه این توده مردم متزلزل است، امروز از نسیال پرولتاریا میروند و فردا از دشواریهای انقلاب میهراسد و از بنسختین شکست، بنامیه شکست کارگران دچار سراسیمگی میشود، اعصابش به رعشه می افتد، خود را به این سو آن سو میزند، ندبده وزاری میکند، از اردوگاهی به اردوگاه دیگری میگریزد... ما نند من شوکیها و اسارهای ما" (انقلاب پرولتری و کاتوستکی مرشد، منتخب آثار یکجلدی صفحه ۶۳۸ - لنین).

فرض از آوردن نقل قولهای فوق این بود که چکیده آموزش ما رگسینما در باره مهمترین خصوصیات خرده بورژوازی ذکر کنیم و بر خلاف مداحان رویونیست خرده بورژوازی و طرفداران تزارچا عی (رویونیستی) "راه رشد غیر سرمایه داری" نشان دهیم که خرده بورژوازی بخاطر ما هیت طبقاتی خویش و بخاطر شیوه ای که بسطور اجتنابنا پذیر می خواهد کوشید در حل تضاد میان دو قطب اصلی جامعه بسا ر برسد نه تنها در هیچ دورانی تا بنسختی رهبری انقلاب دمکراتیک را ندارد بلکه در تزلزل، بسا پیگیری، سازشکاری و آما دکیش برای خیانت به آرمانهای پرولتاریا نیز جای هیچ بحث و گفتگویی نیست. اما محور اصلی بحث ما بر سر این موارد عام نیست، بلکه بر سراقشار متفاد خرده بورژوازی در جامعه ما و تندقی چگونگی برخورد کمونیستها به آنان در شرایط و ادوار مختلف است.

خرده بورژوازی مرفه سنتی ایران بخاطر ما هیت طبقاتی و موقعیت اجتماعی خویش هرگز در تمام ادوار یکسان عمل نکرده و نخواهد کرد، بسا ست اوها نندهر نیروی اجتماعی دیگری ارتباط مشخص و مستقیمی با موقعیت اجتماعی او و روش مبارزه طبقاتی داشته و

خواهد داشت. این فشار اجتماعی از یکطرف مدافع تولیدکالای خردوازی دیگرستاشکرما لکیت خصوصی ویا لطیف هوادار پروپا فرس سیستم سرما به - داری است. اما همانطور که قبلا گفتیم خرده بورژوازی مرفه سنتی نیز تا زمانی که زیر فشار سرما به های مالی امپریالیستی و انحصاری وابسته قرار دارد و به علت کوشش این سرما به ها برای کسب سود فوق انحصاری نه تنها به منافع اقتصادی - سیاسی خویش دست نیسی یا بد بلکه روز بروز از مزایای قبلی نیز محروم میگردد. و از این دو همواره "آرزوی زاهدانه انقاسی فشار سرما به بزرگ بر سرما به کوچک و فشار بر بورژوازی بزرگ بر خرده بورژوازی را در سری پروراندند" آرزویی که هیچگاه عملی نخواهد شد. البته نیایستی فراموش کرد که خرده بورژوازی مرفه سنتی رابطه تنگاتی با بورژوازی متوسط داشته و مانند در زمره تقدیس کنندگان سرما به دار نیست و اگر بتواند هرگز اجازه

نخواهد داد که به "خریم مقدس مالکیت خصوصی" از سوی پرولتاریا "تجاوزی" صورت گیرد. و همین موقعیت اجتماعی - اقتصادی و مجاورت و نزدیکی با بورژوازی در چگونگی سیاستهای متخذه از سوی اوتانیشن - فوق العاده ای داشته و خواهد داشت. بنا بر این

نکته توجه داشت که پیوستن اوبه ضد انقلاب و همکاران با ارتجاع نیز متنا سداست یا شرایطی که امکان تا مین منافعش را در کدام ردوگا به مشورت نمود و برای درک این مطلب غیر ممکن است که هیچیک از این دو اردوگا منافع او را آنطور که خودش میخواهد

● رزمندگان معتقدند که چون خرده بورژوازی مدرن چشم انداز سرمایه دار شدن ندارد پس نمیتوانند بسوی بورژوازی بروند، پیوند مستقیمی با سرما به داری ندارد و نزدیک به پرولتاریاست، آنها همه لایه های!

متناسب با رشد مبارزه طبقاتی و برآدم مبارزه مستقل پرولتاریا، درجه تزلزل و سازشکاری او در مبارزه با سرما به مالی امپریالیستی و سرما به انحصاری وابسته و روبنای سیاسی سیستم چاه گرگونی شده و شدت مییابد و او را آماده سازش با دشمن میکند. اما با بدیهه ایسن

و آن هم در دراز مدت تا مین نخواهد کرد. دردنباله این بحث، نظرات رزمندگان را در مورد ارزیابی از روابط طبقاتی و موقعیت سیاسی کنونی (پس از قیام) مورد بررسی قرار خواهد داد. "ادا به دار"



پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر